

آسیب‌شناسی برنامه درسی انشاء در پایه ششم دوره تحصیلی ابتدایی

مریم کیان^{۱*}

نجمه عابدینی^۲

احمد زندوانیان نائینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی برنامه درسی انشاء پایه ششم دوره تحصیلی ابتدایی است. در این زمینه، سه بعد مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس انشاء بررسی شده است. روش پژوهش زمینه‌یابی با دو رویکرد کمی و کیفی تعیین شده است. جامعه آماری، تمامی دانش‌آموزان پایه ششم شهر یزد است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۶۹ نفر به‌شکل تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی و پایایی آن را معلمان و استادان تأیید کرده‌اند. به‌منظور تحلیل داده‌های کمی، از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، آزمون کرویت ماچلی، آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها، آزمون مقایسه چندگانه و آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن استفاده شد. همچنین برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش کدگذاری استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین مشکلات برنامه درسی انشاء به ترتیب شامل مشکلات ساختاری با میانگین رتبه (۲/۰۸)، مشکلات تدریس با میانگین رتبه (۲/۰۶) و مشکلات اجرایی با میانگین رتبه (۱/۸۶) است. همچنین مهم‌ترین مشکلات در بعد ساختاری به ترتیب شامل ضعف اطلاعات عمومی، مهارت‌نداشتن در نوشتن جملات شروع انشاء و نداشتن مهارت در تقسیم‌بندی انشاء به بخش‌های شروع، متن و نتیجه‌گیری بوده است. همچنین، در بعد مشکلات اجرایی، مهم‌ترین چالش‌ها شامل آزادنبودن موضوعات انشاء، نبود آرامش و تمرکز در تفکر، جذاب نبودن کلاس انشاء و اهمیت‌نداشتن این درس برای دانش‌آموزان بوده است. در بعد مشکلات تدریس نیز مهم‌ترین چالش‌ها شامل انتخاب موضوعات کلیشه‌ای و یکنواخت از سوی معلمان، توجه‌نکردن به گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی و ناآگاهی دانش‌آموزان از اهداف درس انشاء بوده است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، برنامه درسی انشاء، دوره تحصیلی ابتدایی، پایه ششم ابتدایی

مقدمه و بیان مسئله

پژوهش حاضر درصدد است برنامه درسی انشاء در پایه ششم دوره ابتدایی را آسیب‌شناسی کند. باید گفت که «انشاء» به معنی آفرینش، ایجاد و خلق کردن است. در واقع، «انشاء» به تولید، سخن‌پردازی، نوشته فصیح و هر نوع نوشته‌ای که مراد از آن نمایاندن قدرت نویسندگی و تعیین ارزش نوشته باشد، اطلاق می‌شود (عمید، ۱۳۸۷). از دید متخصصان، انشاء شامل حرکت و نظم افکار است. هرگاه افکار تنگ و فشرده به یکدیگر تنظیم شوند، سبک بیان محکم، گرم و با جذابیت می‌شود؛ برعکس اگر این افکار به‌کندی از پی هم درآید و فقط به‌زور الفاظ به هم ملحق شود، بیان آن مبهم و سخت و افتان‌وخیزان خواهد بود (علی پاشازاده، ۱۳۸۵).

در نظام آموزشی، درس انشاء از اهمیت خاصی برخوردار است. این درس، یکی از اصلی‌ترین درس‌ها به شمار می‌آید. این درس ظرفی دارد و مظروفی، ظرف آن ساخته و بافته از کلام و مظروف آن اندیشه است. به معنای جامع، همه محصولات ذهن و ادراک آدمی را شامل می‌شود. انشاء در واقع گذرگاهی است که دانش‌آموز همه آموخته‌های زبان و ادب خود را در آن یکجا به کار می‌بندد. از سوی دیگر، این درس به اعتبار مظروف‌بودن، خود میدان وسیعی برای ایجاد یک محصول فکری و ذهنی به‌وسیله دانش‌آموز و بیان آن در قالب زبان و ادبیات است. به همین دلیل آن را انشاء نامیدند که دلالت بر ابداع، ابتکار و خلق مطلب جدید دارد (حداد عادل، ۱۳۹۳). در واقع، درس انشاء، از جمله دروس مرتبط با ذهنیت، خلاقیت ذهنی، تصویرسازی و صحنه‌آفرینی است. اهمیت آن در برنامه دوره‌های مختلف به قدری است که می‌توان آن را زمینه‌ساز یادگیری خلاق، عادت به تفکر، تأمل و تدبّر دانست. درس انشاء، از نظر کاربردی در زندگی نقش بسزایی دارد، زیرا بخش بزرگی از ارتباطات در محیط مدرسه و خارج از آن از طریق نوشته فراهم می‌شود.

اما مسئله اینجاست که وقتی به نوشته‌های دانش‌آموزان توجه می‌کنیم، غالباً مشخص است که آنان در نوشتن مشکل دارند و نمی‌توانند ادراکات ذهنی خویش را آن‌طور که باید سازمان دهند و با قلم وصف کنند. به جرئت می‌توان گفت، شاید یکی از دلایل مهم ضعف در دروس دیگر بعضی از دانش‌آموزان، ضعف در انشاء است؛ زیرا دانش‌آموزی که نتواند آنچه را در ذهن دارد بگوید یا بنویسد، توانایی نشان‌دادن یادگیری‌اش را ندارد. همچنین مشاهدات نشان می‌دهد گاهی اوقات، انشاء دانش‌آموزان را والدین یا افراد دیگری نوشته

یا می‌نویسند و امروزه کپی‌برداری از سایت‌های اینترنتی و استفاده نادرست از شبکه‌های اجتماعی نیز به این معضل اضافه شده است (بابلی بهمنی، ۱۳۸۳).

از دیگر مشکلات انشاء و نگارش، ناآگاهی دانش‌آموزان از قواعد دستوری، دامنه ضعیف لغات، ضعف مطالعات غیردرسی، کاهش گفتمان‌های خانوادگی یا ارائه موضوعات تکراری از سوی معلمان است (بازرگان، ۱۳۹۳).

باید گفت دانش‌آموزان در دوره ابتدایی پنج مرحله را در آموزش نوشتن طی می‌کنند که اشکال در هرکدام از این مراحل زمینه‌ساز مشکلات زیادی در برنامه درسی انشاء خواهد شد. این مراحل عبارت‌ند از: آموزش نوشتن غیرفعال (رونویسی)، نوشتن نیمه‌فعال (املا)، نوشتن فعال پایه یک (کلمه‌سازی)، نوشتن فعال پایه دو (جمله‌سازی) و نوشتن فعال (انشاء) (زندى، ۱۳۸۵). درباره سیر آموزش نوشتن باید گفت، دانش‌آموز از سال اول تحصیل می‌آموزد که چگونه منظور خود را درست بیان کند. در کلاس دوم، علاوه بر جمله‌سازی و تکمیل جمله‌های ناقص با کلمه‌های آشنا، جواب سؤالات خود را به‌صورت کتبی می‌نویسد و از کلاس سوم نوشتن انشاء عملاً آغاز می‌شود. دانش‌آموزان ابتدا برای هر انشاء طرح‌ریزی می‌کنند و این طراحی در مرحله اول به‌طور شفاهی انجام می‌گیرد و بعد به‌صورت کتبی درمی‌آید (علی پاشا زاده، ۱۳۸۵). وجود مشکل در هرکدام از مراحل نوشتن می‌تواند، مشکلاتی را در اشنانویسی دانش‌آموز به وجود آورد. این مشکلات را می‌توان در سه بعد مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس دسته‌بندی کرد (اله‌ام‌پور، ۱۳۸۴). منظور از مشکلات ساختاری، آگاهی نداشتن دانش‌آموزان از موضوع انشاء به علت ضعف در جهان‌شناسی و شناخت جامعه و ناتوانایی در طبقه‌بندی افکار و پیام‌های خود به‌طور صحیح و برنامه‌ریزی در نوشتن است. همچنین منظور از مشکلات اجرایی، این است که دانش‌آموز با وجود تجربه کافی از موضوع انشاء و همچنین توانایی لازم برای سازماندهی افکار خود، نمی‌تواند هنگام اشنانویسی عناصر و قواعد مناسب زبان نوشتاری را به کار ببندد. واژگان ناکافی، خطاهای دستوری و خطاهای ویرایشی را می‌توان دلایل این ضعف دانست. منظور از مشکلات تدریس نیز تداعی مشکلات نوشتاری دانش‌آموزان به علت آگاهی نداشتن معلم از اهداف، محتوا، روش تدریس و روش‌های ارزیابی درس انشاء و به طور کلی تخصص نداشتن معلم درباره موضوع درسی است.

بنابراین، با توجه به طرح چنین مباحثی، پژوهش حاضر سعی دارد مشکلات اشنانویسی

را در سه بعد مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس، از دیدگاه دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر یزد به شکل دقیق بررسی کند. در این زمینه، ۵ پرسش اساس مطالعه قرار دارد:

- ۱) اولویت‌بندی چالش‌های برنامه درسی انشاء (مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی، مشکلات تدریس) چگونه است؟
- ۲) مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات ساختاری برنامه درسی چیست؟
- ۳) مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات اجرایی برنامه درسی انشاء چیست؟
- ۴) مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات تدریس برنامه درسی انشاء چیست؟
- ۵) برای بهبود یادگیری مهارت انشاء نویسی، چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر از چندین بعد دارای اهمیت است. نخست، اهمیت آن به لحاظ «نظری» است. انشاء و نگارش، فرصتی برای تقویت مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ادراکی و بیان و ظهور مجموعه‌ای از توانمندی‌های ادبی- علمی و اجتماعی دانش‌آموزان است. این توانمندی، فقط در خود این درس، به کار دانش‌آموزان نمی‌آید، بلکه در بقیه دروس نیز مددکار او خواهد بود (رثوف، ۱۳۸۳). زبان مؤثرترین وسیله ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر است و گونه نوشتاری زبان از دیرباز برای ثبت اندیشه‌ها و خاطرات و دانش انسانی به کار رفته است. بنابراین برای رفع آسیب‌های آن باید کاری کرد (مستعلی پارسا، ۱۳۹۳).

پژوهش حاضر همچنین به لحاظ «کاربردی» دارای اهمیت است. انجام پژوهش و آسیب‌شناسی این درس در پایه ششم و نتایج حاصل از آن برای طراحان کتاب‌های درسی فارسی، برنامه‌ریزان درسی و حتی معلمان مفید است و توجه آن‌ها را به مشکلات موجود در زمینه آموزش و یادگیری انشاء و هدف از یادگیری این درس، به‌خصوص در پایه ششم جلب کند.

به علاوه، پژوهش حاضر به لحاظ «روشی» نیز ارزشمند است. پژوهشگران مطالعه حاضر، با استفاده از «روش زمینه‌یابی» با دو رویکرد کمی و کیفی، برنامه درسی انشاء پایه ششم را آسیب‌شناسی و نتایج حاصل از آن را بررسی کرده‌اند. در واقع، در پژوهش حاضر

تلاش می‌شود کارایی روش یادشده در بررسی موضوع اصلی مطالعه، آزموده شود و در قالب ارزیابی کارایی روش پژوهشی نیز برای استفاده دیگر پژوهشگران مفید باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

درباره موضوع پژوهش حاضر، مبانی نظری متعددی مطرح است. در این زمینه، صاحب‌نظران، دلایل زیادی را در بهبود مهارت انشاءنویسی مؤثر می‌دانند؛ از جمله روش‌های صحیح آموزش، به‌کارگیری واژه‌ها و عبارات و جملات مناسب، مراعات قواعد دستور زبان و امثال اینها (سنجری، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، پژوهش‌هایی نیز در داخل و خارج ایران انجام شده است. برای مثال، نعمت زاده (۱۳۹۴) چالش‌های آموزش نوشتن را بررسی کرده است. یافته‌ها این مطالعه نشان می‌دهد در آموزش انشاءنویسی، فرایند آموزش را باید به‌صورت طبقه‌بندی‌شده و از ساده به دشوار سازماندهی کرد. به علاوه بهترین روش در آموزش انشاء روش حل مسئله است. اولیایی و اولیایی (۱۳۹۳) نیز پیش‌نیازهای آموزش انشاء و راه‌های بهبود انشاء را در بین دانش‌آموزان بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که برنامه‌ریزی برای آموزش درس انشاء نیاز به بررسی و تعیین پیش‌نیازهایی چون پرورش حس زیباشناختی، افزایش دانش و آگاهی، بیان صحیح واژه‌ها و تقویت دستور زبان فارسی دارد. همچنین بیات و پویاکیان (۱۳۹۳) دریافته‌اند که فقر خزانه لغات و ضعف در به‌کارگیری واژه‌ها، در ضعف انشانویسی کودکان تأثیر زیادی دارد. در ادامه با استفاده از روش‌های فعال، انشانویسی را آموزش دادند و با آزمون مجدد متوجه ارتقای انشانویسی دانش‌آموزان و افزایش گنجینه لغات آن‌ها شدند. همچنین نتایج مطالعات ملک پایین (۱۳۹۳) نشان داد که گفتمان رایج انشاء در ایران مبتنی بر فکری قدیمی است و بر شیوه تقلیدی و بازسازی تأکید دارد. همچنین موضوع‌ها گزینشی، اجباری، تکراری و ارزش‌گذاری معلم‌محور و قالب‌بندی‌های خشک آسیب‌های شناخته‌شده در انشاء دانش‌آموزان است. شهودی مذهبی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی در خصوص اثر تجربه و تعامل با همسالان در انشانویسی، دو گروه از دانش‌آموزانی را که دوره پیش‌دبستان را گذرانده یا نگذرانده‌اند بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که دوره پیش‌دبستان را گذرانده‌اند از اطلاعات بیشتری درباره موضوعات انشانویسی برخوردارند. همچنین علوی مقدم (۱۳۹۱) به تحلیل اشکالات نوشتاری دانش‌آموزان

و مقایسه این مشکل در دانش‌آموزان فارسی‌زبان و دوزبانه پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد در هر دو گروه، هر چهار طبقه از اشکالات نوشتاری دیده شده و خطاهای ساختاری در هر دو گروه مطالعه شده بیشترین میزان وقوع را داشته است. همچنین دانش‌آموزان ایرانی فارسی‌زبان دوره ابتدایی، برخی خطاهای املایی و گفتمانی در نوشتار خود داشته‌اند.

همچنین مطالعاتی در خارج از ایران انجام شده است. از جمله می‌توان به پژوهش «برنامه‌ریزی و تبدیل تعمیم‌گرایی به مداخلهٔ بازخورد عملکرد نگارش: یک مداخله تصادفی کنترل‌شده» از سوی هایر و اکرت^۱ (۲۰۱۶) اشاره کرد. این مطالعه نشان می‌دهد مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان ایالات متحده، به‌ویژه در بخش نگارش با ضعف‌هایی همراه است. نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان گروه آزمایش، در مقایسه با گروه دانش‌آموزان دریافت‌کننده بازخورد عملکرد بدون تعمیم و همچنین دانش‌آموزان فاقد تمرین نگارش، نتیجه مثبت‌تری گرفته‌اند. همچنین پژوهش هیلند^۲ (۲۰۱۵) در بررسی متون نگارشی دانش‌آموزان، نشان داد که مهم‌ترین مشکلات دانش‌آموزان در نوشتن، ادراک ناکافی از موضوع و چگونگی سازماندهی متون و ساختاربندی جملات است. همچنین ریتچی و کاکر^۳ (۲۰۱۴)، در بررسی مشکلات نوشتن، نشان دادند که دانش‌آموزانی که نوشته آن‌ها کیفیت لازم را ندارد، در خواندن و درک مطلب نیز مشکل دارند. همچنین استفاده از ارزشیابی کمی، باعث شناخت بهتر مشکلات دانش‌آموزان در نوشتن می‌شود. به علاوه، گرد و همکاران^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «تمرین شیوه نوشتن در اوایل دوران کودکی» به بررسی تأثیر شیوه‌های فعال آموزش نوشتن در مدارس ابتدایی پرداختند. نتایج نشان داد استفاده از روش‌های نوین که در آن تأکید بر همکاری و مشارکت است، اثرات زیادی بر بهبود نحوه نگارش دانش‌آموزان دارد؛ از جمله بهبود کیفیت آموزش معلمان ابتدایی و شرکت فعال دانش‌آموزان در برنامه‌های ملی با عنوان مسابقات نویسندگی و ارتقای سطح نگارش دانش‌آموزان. آکینوامید و کولاده^۵ (۲۰۱۲) نیز مطالعه‌ای در زمینه بررسی «تأثیر رویکرد فرایندی در یادگیری مهارت انشانویسی زبان دوم دانش‌آموزان» با روش آزمایشی انجام داد. در پایان مشخص شد که رویکرد فرایندی بر کارایی دانش‌آموزان در نوشتن انشا تأثیر معنی‌دار دارد. پینتو و بیگوژی^۶

1. Hier & Eckert

2. Hyland

3. Ritchey & Coker

4. Gerde & Bingham & Wasik

5. Akinwamide & Kolade

6. Pinto & Bigozzi

(۲۰۱۲)، در پژوهش خود، مؤلفه‌های گوناگون مدل سواد نوظهور، یعنی آگاهی از شکل و معنای کلمات، متضادها و مترادف‌های کلمه را در کیفیت نوشتار دانش‌آموزان بررسی کردند. نتایج نشان داد که آگاهی از شکل و معنای کلمات می‌تواند به طور چشمگیری در مهارت نوشتن دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد و می‌توان مهارت نوشتن دانش‌آموزان را با واژه‌شناسی آن‌ها پیش‌بینی کرد. آهِن^۱ (۲۰۱۲) نیز «تأثیر دیدگاه ساخت‌گرایی در آموزش انشاء و استفاده از الگوی فرایندی در آموزش دانش‌آموزان ابتدایی» در استرالیا را مطالعه کرد. نتایج نشان داد که استفاده از این روش در آموزش انشاء باعث ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان از متون مختلف و همچنین افزایش اعتماد به نفس آن‌ها در نوشتن شده است. به علاوه، مطالعه دوروکن^۲ (۲۰۱۱) در زمینه بررسی «اثرات خواندن مشارکتی و ترکیب فنون نگارش بر مهارت‌های خواندن و نوشتن» نشان داد که تفاوت بین خواندن و نوشتن گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنی‌دار بود. این تفاوت در اثر به کارگیری تشریک مساعی در مهارت خواندن یکپارچه و ترکیب فنون نگارش، مشاهده شد. جکوبسون و رید^۳ (۲۰۱۰) نیز «انشانویسی دانش‌آموزان مبتلا به بیش‌فعالی» را بررسی کرده‌اند؛ این پژوهش اثر مثبت نوشتن یک انشای تشویقی به کمک مدل توسعه استراتژی خودتنظیمی را بر مهارت نوشتن در دانش‌آموزان دچار اختلال بیش‌فعالی نشان داده است. این محققان، دانش‌آموزان را به مدت سه هفته پی‌گیری کردند. یافته کلی، بهبود مشخص در محتوا، طول و کیفیت کلی انشای دانش‌آموزان بود. همچنین مطالعه هوارد^۴ (۲۰۱۰) روی ۱۸ دانش‌آموز در زمینه نگارش و منبع‌نویسی انجام شد. محقق از آن‌ها خواست که متون را مطالعه و خلاصه‌ای از آن را یادداشت کنند و سؤالات خود را دربارظ مشکلاتشان در خواندن بیان کنند. دانش‌آموزان متون را خلاصه و کپی‌برداری کردند و قطعه‌ای از جملات شخصی را در منابع‌شان نوشتند. یافته‌ها نشان داد نوشتن جملات شخصی در منابع نوعی سرقت ادبی بود و همچنین نمی‌توان نویسنده را برای درک منابع مجبور کرد. همچنین مطالعه داروس و سویرامانیام^۵ (۲۰۰۹) در زمینه تحلیل خطاهای نوشتن انشای زبان انگلیسی دانش‌آموزان در مالزی گویای شش خطای رایج در انشای دانش‌آموزان شامل شکل افعال و کلمات، انتخاب کلمه، حروف اضافه، تطابق فعل و فاعل و ارائه کلمه بود.

درمجموع، مرور مبانی فوق نشان می‌دهد عوامل زیادی در بروز مشکلات انشاءنویسی

1. Ahn

2. Durukan

3. Jacobson & Reid

4. Howard

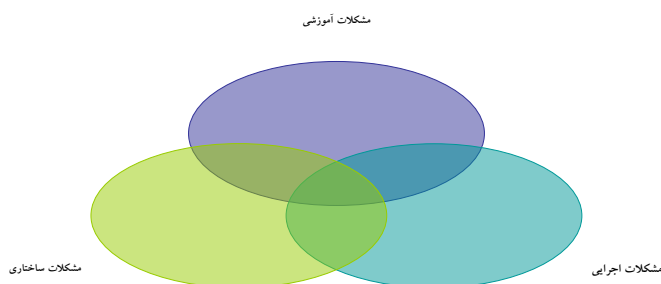
5. Darus & Subramaniam

نقش دارند. شناخت این عوامل و ارائه راهکارهایی برای حل این مشکل می‌تواند، به رفع آن کمک کند. به هر حال پژوهش حاضر با توجه به مبانی موجود و تجارب شخصی و عملی نگارندگان، به بررسی چالش‌های برنامه درسی انشاء پایه ششم، از دیدگاه دانش‌آموزان پرداخته است.

چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی مطرح‌شده، می‌توان گفت مهارت انشاءنویسی در آموزش دوره ابتدایی یکی از زمینه‌های اساسی رشد سواد محسوب می‌شود. توسعه مهارت انشاءنویسی نیازمند وجود شرایطی است که در محیط آموزشی باید مسئولان و معلمان بدان توجه جدی کنند. بی‌توجهی به کیفیت این شرایط، مشکلاتی را در یادگیری مهارت انشاءنویسی در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

در مجموع، شرایط تضمین‌کننده کیفیت مهارت انشاءنویسی از جمله، شرایط ساختاری، آموزشی و اجرایی را می‌توان در شکل زیر خلاصه کرد:



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش (چالش‌های اثرگذار بر ضعف مهارت انشانویسی)

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، زمینه‌یابی با دو رویکرد کمی و کیفی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پایه ششم شهر یزد (۹۶۳۴ نفر) بوده که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۶۹ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. همچنین برای توزیع پرسشنامه بر اساس روش خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای ۵ مدرسه از نواحی ۱ و

۲ آموزش و پرورش یزد انتخاب شد.

برای ابزار پژوهش، پرسشنامه سنجش مشکلات انشاء (الهام‌پور، ۱۳۸۷) بازنگری و مجدداً روایی و پایایی آن تعیین شد. در این پرسشنامه، سه بعد مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس انشاء کنکاش شد. در بعد مشکلات ساختاری، گویه‌های ۱ الی ۱۶، در بعد مشکلات اجرایی، گویه‌های ۱۷ الی ۲۵ و در بعد مشکلات تدریس، گویه‌های ۲۶ الی ۳۹ بررسی شد. همچنین از طریق پرسش بازپاسخ، راهکارهای رفع آسیب‌های برنامه درسی انشاء واکاوی شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از طریق نظرخواهی از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران (۲ نفر از استادان برنامه‌ریزی درسی، ۴ نفر از استادان آموزش ادبیات فارسی، ۴ نفر از معلمان ادبیات فارسی) تأیید شد. پایایی مربوط به سؤالات پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد (مشکلات ساختاری: ۰/۸۲۱، مشکلات اجرایی: ۰/۵۲۳، مشکلات تدریس: ۰/۷۴). به‌منظور تحلیل داده‌های کمی، از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، آزمون کرویت ماچلی، آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها، آزمون مقایسه چندگانه و آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای استفاده شد. همچنین برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش کدگذاری و مقوله‌بندی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پرسش ۱: اولویت‌بندی چالش‌های برنامه درسی انشاء (مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی، مشکلات تدریس) چگونه است؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا نمره هر آزمودنی در سه بعد (مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس) محاسبه و نمره هر فرد در مشکلات ساختاری بر ۱۶، در مشکلات اجرایی بر ۹ و در مشکلات تدریس بر ۱۴ تقسیم شد؛ سپس از هر دانش‌آموز سه نمره میانگین مشکلات ساختاری، میانگین مشکلات اجرایی و میانگین مشکلات تدریس به دست آمد. برای مقایسه سه میانگین از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. میانگین مشکلات ساختاری در ۳۶۸ نفر دانش‌آموز ۰/۳۱، میانگین مشکلات اجرایی ۰/۲۵ و میانگین مشکلات تدریس ۰/۳۰ به دست آمد که تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. به بیان روشن‌تر، اولین مشکل برنامه درسی انشاء، مشکلات ساختاری، دوم مشکلات تدریس و سوم مشکلات اجرایی است ($P < 0/0001$). در پایان با استفاده از آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن، میانگین رتبه‌ها مقایسه شد که مشکلات

ساختاری با میانگین رتبه‌ای ۲/۰۸، مشکلات تدریس با میانگین رتبه‌ای ۲/۰۶ و مشکلات اجرایی با میانگین ۱/۸۶ به ترتیب مهم‌ترین تا ضعیف‌ترین مشکلات برنامه درسی انشاء از دید دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی شهر یزد است ($P < ۰/۰۰۴$). جدول‌های زیر این بررسی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار ابعاد مشکلات انشاءنویسی

گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
مشکلات ساختاری	۰/۳۱	۰/۲۴	۳۶۸
مشکلات اجرایی	۰/۲۵	۰/۱۸	۳۶۸
مشکلات تدریس	۰/۳۰	۰/۲۰	۳۶۸

جدول ۲- نتایج آزمون چندگانه در تحلیل واریانس مکرر

اثر	ارزش	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتای تفکیکی
فکتور						
اثر پیلاپی	۰/۰۷۳	۱۴/۳۵	۲	۳۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷۳
لامبدای ویلکس	۰/۹۲۷	۱۴/۳۵	۲	۳۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷۳
اثر هتلینگ	۰/۰۷۸	۱۴/۳۵	۲	۳۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷۳
بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۷۸	۱۴/۳۵	۲	۳۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷۳

جدول ۳- آزمون کرویت ماچلی

اثر بین آزمودنی‌ها	ماچلی	کای اسکور تقریبی	درجه آزادی	سطح معناداری	گرینهوس-گیسر	هین-فلدت	سطح پایتیر
عامل ۱	۰/۹۸	۵/۲۸	۲	۰/۰۷۱	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۵

جدول ۴- آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتای تفکیکی
عرض از مبدأ	۹۴/۷۸	۱	۹۴/۷۸	۱۱۲۲/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۷۵۴
خطا	۳۱	۳۶۷	۰/۰۸۴			

جدول ۵- برآورد میانگین و خطای معیار میانگین

عامل ۱	میانگین	خطای استاندارد	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵٪	
			حد بالا	حد پایین
۱ (ساختاری)	۰/۳۱۹	۰/۰۱۳	۰/۲۹۵	۰/۳۴۴
۲ (اجرایی)	۰/۲۶۰	۰/۰۱۰	۰/۲۴۰	۰/۲۷۹
۳ (تدریس)	۰/۳۰۰	۰/۰۱۱	۰/۲۷۹	۰/۳۲۱

جدول ۶- آزمون مقایسه چندگانه بین سطوح عامل ۱

فاکتور I	فاکتور J	اختلاف میانگین I و J	خطای استاندارد	سطح معناداری	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵٪	
					سطح بالا	سطح پایین
۱	۲	۰/۰۶۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۲	۰/۰۸۸
	۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۳۸۲	-۰/۰۱۱	۰/۰۴۹
۲	۱	-۰/۰۶۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۸۸	-۰/۰۳۲
	۳	-۰/۰۴۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	-۰/۰۶۸	-۰/۰۱۳
۳	۱	-۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۳۸۲	-۰/۰۴۹	۰/۰۱۱
	۲	۰/۰۴۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	۰/۰۶۸

جدول ۷- میانگین رتبه‌ها در سه بعد مشکلات ساختاری، اجرایی و تدریس

میانگین رتبه‌ای	میانگین	گویه‌ها
۲/۰۸	۰/۳۱	میانگین ساختاری
۱/۸۶	۰/۲۵	میانگین اجرایی
۲/۰۶	۰/۳۰	میانگین تدریس

جدول ۸- آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن برای پرسش ۱

۳۶۸	تعداد
۱۱/۲۶۲	کای-اسکور
۲	درجه آزادی
۰/۰۰۴	سطح معناداری

پرسش ۲: مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات ساختاری برنامه درسی چیست؟

برای پاسخ‌دادن به پرسش دوم از آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن استفاده شد که تفاوت در سطح ($P < 0/0001$) معنادار است. با توجه به جدول ۹، از میان سؤال‌های ۱ تا ۱۶، سؤال شماره ۱۰ یعنی نداشتن اطلاعات عمومی زیاد با رتبه ۹/۶۷، سؤال شماره ۱۲ یعنی اشکال در نوشتن جملات شروع انشاء با رتبه ۹/۰۶ و سؤال ۲ یعنی اشکال در تقسیم‌بندی انشاء به بخش‌های شروع، متن و نتیجه‌گیری با رتبه ۸/۸۷ بیشترین و سؤال شماره ۱۶ یعنی دشوار امتحان درس انشاء برای دانش‌آموزان با رتبه ۷/۸۷ کمترین رتبه‌ها را از نظر دانش‌آموزان، در مشکلات ساختاری کسب کردند.

جدول ۹- میانگین رتبه‌های مشکلات ساختاری در انشانویسی

ردیف	سؤالات	میانگین رتبه‌ها	اولویت
۱	در موقع نوشتن انشاء، فراموش می‌کنم چه بنویسم.	۸/۴۵	۹
۲	در تقسیم‌بندی انشاء به بخش‌های شروع، متن و نتیجه‌گیری مشکل دارم.	۸/۸۷	۳
۳	نمی‌توانم کلمات مناسب برای نوشتن پیدا کنم.	۸/۷۴	۴
۴	جملات مناسب برای نوشتن انشاء، به ذهنم نمی‌آید.	۸/۵۰	۷
۵	نمی‌توانم درباره موضوعات انشاء، تمرکز حواس داشته باشم.	۸/۶۹	۵
۶	در نوشتن انشاء، دلهره و نگرانی دارم.	۸/۴۸	۸
۷	به درس انشاء علاقه‌ای ندارم.	۸/۵۶	۶
۸	نمی‌توانم درباره آنچه فکر می‌کنم بنویسم.	۸/۱۵	۱۳
۹	نمی‌توانم درباره چیزهایی بنویسم که در اطرافم می‌گذرد.	۸/۲۸	۱۰
۱۰	اطلاعات عمومی زیادی برای نوشتن انشاء ندارم.	۹/۶۷	۱
۱۱	روش خلاصه‌کردن و یادداشت‌برداری از کتاب‌های درسی و غیردرسی را بلد نیستم.	۸/۲۲	۱۱
۱۲	نوشتن جملات شروع انشاء، برایم مشکل است.	۹/۰۶	۲
۱۳	حوصله نوشتن انشاء را ندارم.	۸/۴۸	۸
۱۴	نمی‌توانم از تخیل خودم در نوشتن استفاده کنم.	۷/۸۹	۱۴
۱۵	موضوعات انشاء، برایم قابل فهم نیستند.	۸/۱۹	۱۳
۱۶	امتحان درس انشاء برایم مشکل است.	۷/۷۸	۱۵

جدول ۱۰- آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن مشکلات ساختاری

تعداد	۳۶۹
کای اسکور	۱۰۶/۷۲
درجه آزادی	۱۵
معناداری	۰/۰۰۰۱

پرسش ۳: مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات اجرایی برنامه درسی انشاء چیست؟

برای پاسخ‌دادن به پرسش ۳، از آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن استفاده شد که تفاوت در سطح ($p < ۰/۰۰۰۱$) معنادار است. با توجه به جدول ۱۱، بالاترین رتبه از نظر مشکلات اجرایی مربوط به سؤال ۲۳ یعنی انتخابی نبودن موضوعات انشای دانش‌آموزان با میانگین (۵/۹۶)، سپس سؤال ۲۱ یعنی نبود آرامش و سکوت در کلاس درس انشاء با میانگین رتبه‌ای (۵/۷۸) و سؤال ۲۰، یعنی اهمیت‌نداشتن این درس برای دانش‌آموزان، با میانگین رتبه‌ای ۵/۶۹ است و کمترین رتبه مربوط به سؤال ۱۸ یعنی نوشتن انشای دانش‌آموزان توسط دیگران با میانگین ۴/۲۷ و سؤال ۱۹ یعنی ناخوانا و بدخط نوشتن انشاء با میانگین رتبه ۴/۲۶ است.

جدول ۱۱- میانگین رتبه‌ها مربوط به مشکلات اجرایی

ردیف	سؤالات	میانگین رتبه‌ها	اولویت‌ها
۱۷	در نوشتن انشاء مشکل املائی دارم.	۴/۳۷	۷
۱۸	انشای مرا دیگران می‌نویسند.	۴/۲۷	۸
۱۹	ناخوانا و بدخط می‌نویسم.	۴/۲۶	۹
۲۰	برای دانش‌آموزان این درس اهمیت ندارد.	۵/۶۹	۳
۲۱	در موقع نوشتن انشاء آرامش و سکوت وجود ندارد.	۵/۷۸	۲
۲۲	گوش‌دادن به انشای دانش‌آموزان دیگر برایم مشکل است.	۴/۵۵	۵
۲۳	موضوعات انشاء انتخابی نیستند.	۵/۹۶	۱
۲۴	دانش‌آموزان کتاب‌های غیردرسی را مطالعه نمی‌کنند.	۵/۶۰	۴
۲۵	تکلیف مربوط به درس نگارش را انجام نمی‌دهم.	۴/۵۲	۶

جدول ۱۲- آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن در بعد مشکلات اجرایی

تعداد	۳۶۸
کای اسکور	۴۳۹/۱۶
درجه آزادی	۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

پرسش ۴: مهم‌ترین چالش‌های مربوط به مشکلات تدریس برنامه درسی انشاء چیست؟

برای پاسخ‌دادن به پرسش ۴، از آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن استفاده شد؛ تفاوت در سطح ($P < ۰/۰۰۰۱$) معنادار است که بر طبق جدول شماره ۱۳، بالاترین رتبه برای سؤال ۳۳ یعنی انتخاب کردن موضوعات انشاء توسط دانش‌آموزان با میانگین رتبه ۹/۹۵، سؤال ۳۷ یعنی معرفی کردن کتاب و مجلات کمکی توسط معلم با میانگین رتبه ۹/۳۵ و سؤال ۳۴ یعنی مشخص بودن اهداف درس انشاء برای دانش‌آموزان با میانگین رتبه ۸/۴۹ مهم‌ترین آسیب‌ها بودند. سؤال ۲۶ یعنی بحث و گفت‌وگوی معلم با دانش‌آموزان در باره موضوعات انشاء با میانگین رتبه ۶/۴۸ و سؤال ۳۶ یعنی توجه معلم در انشاء به استفاده از حواس دانش‌آموزان در جریان نوشتن انشاء با میانگین رتبه ۶/۳۷ کمترین رتبه را در آسیب‌های مربوط به تدریس کسب کردند.

جدول ۱۳- میانگین رتبه‌ها مربوط به مشکلات تدریس

ردیف	سؤال	میانگین رتبه‌ها	اولویت‌ها
۲۶	معلم درباره موضوعات انشاء با دانش‌آموزان بحث و گفت‌وگو می‌کند.	۶/۴۸	۱۱
۲۷	روش ارزشیابی انشاء درست است.	۷/۷۳	۵
۲۸	معلم در کلاس به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در انشانویسی توجه دارد.	۷/۶۰	۶
۲۹	معلم به این درس اهمیت می‌دهد.	۶/۶۹	۱۰
۳۰	معلم این درس را خوب تدریس می‌کند.	۶/۴۸	۱۱
۳۱	معلم درس انشاء رفتار خوبی با دانش‌آموزان دارد.	۶/۲۰	۱۲
۳۲	معلم درس انشاء آیین نگارش را آموزش می‌دهد.	۷/۰۹	۸
۳۳	موضوعات انشاء را دانش‌آموزان انتخاب می‌کنند.	۹/۹۵	۱
۳۴	هدف درس انشاء برای دانش‌آموزان مشخص است.	۸/۴۹	۳

۳۵	معلم درس انشاء خلاقیت دانش‌آموزان را تشویق می‌کند.	۶/۸۰	۹
۳۶	معلم درس انشاء از دانش‌آموزان می‌خواهد تمام حواس خود را در نوشتن به کارگیرند.	۶/۳۷	۱۲
۳۷	معلم کتاب‌ها مجلات کمکی را برای نوشتن انشاء معرفی می‌کند.	۹/۳۵	۲
۳۸	موضوعات انشاء که معلم می‌دهد جالب هستند.	۷/۵۱	۷
۳۹	موضوعات انتخابی معلم به زندگی مربوط است.	۸/۲۵	۴

جدول ۱۴ - آزمون تحلیل واریانس رتبه‌ای فریدمن مشکلات تدریس

تعداد	۳۶۹
کای اسکور	۷۲۷/۴۷
درجه آزادی	۱۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

پرسش ۵: برای بهبود یادگیری درس انشاء چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد؟

یک سؤال بازپاسخ، به این منظور اختصاص یافت. هدف اساسی، شناسایی نظرات دانش‌آموزان برای بهبود یادگیری درس انشاء بود. به هریک از دانش‌آموزان قبل از اجرای پرسشنامه شماره‌ای داده شده است. به منظور تحلیل داده‌ها در این سؤال، محققان چندبار متون را مرور کردند تا برداشت کلی از متن به دست آید. سپس با تأکید بر محتوای آشکار و ضمنی موجود در داده‌های متنی، جملات و پاراگراف‌ها، راهکارها در ۸ مقوله طبقه‌بندی شد که عبارت‌اند از:

۱- توجه و اهمیت بیشتر به درس انشاء: از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۱۷ دانش‌آموز بر این باورند که علت اصلی ضعف در نگارش دانش‌آموزان دوره ابتدایی به‌خصوص پایه ششم، بی‌توجهی معلمان و دانش‌آموزان به این درس مهم است. در همین زمینه، دانش‌آموز شماره ۲۶۷ نوشته بود: «از معلمان عزیزم می‌خواهم انشاء را جدی بگیرند و از ساعت درس انشاء برای جبران ساعات دروس دیگر استفاده نکنند. وقتی ما قواعد نوشتاری را نمی‌دانیم و کسی به ما آموزش نداده است، چگونه می‌توانیم درباره موضوعی بنویسیم».

۲- انتخاب موضوعات انشاء متناسب با علائق و تجربیات دانش‌آموزان: از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۱۷ دانش‌آموز معتقدند معلمان باید در انتخاب موضوعات انشاء

دقت بیشتری داشته باشند و از بیان موضوعات تکراری خودداری کنند. دانش‌آموز شماره ۳۰۰ در این زمینه نوشته بود: «بهتر است معلمان به دانش‌آموزان موضوعات تخیلی بیشتری بدهند؛ زیرا ما موضوعات تخیلی را دوست داریم. با این موضوعات است که ما می‌توانیم هرچه در تخیلمان است روی کاغذ بیاوریم و خلاقیت ما رشد کند. موضوعات تکراری و خسته‌کننده کتاب، باعث بی‌علاقگی ما به این درس شده است؛ چراکه ما درباره این موضوعات اطلاعات زیادی نداریم».

۳- معرفی کتاب و مجلات مناسب به دانش‌آموزان و تشویق آنان برای مطالعه بیشتر: از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۱۷ دانش‌آموز گفته‌اند که مطالعه کتاب و مجلات مناسب کودک و دانش‌آموز و معرفی آن‌ها به تقویت انشای دانش‌آموزان کمک زیادی می‌کند. دانش‌آموز شماره ۱۶۱ نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: خواندن و مطالعه کتاب‌ها و مجلات مناسب، باعث رشد زبان، شناخت کلمات و جمله‌بندی و در آخر، انشانویسی بهتر ما می‌شود.

۴- آموزش قواعد انشاءنویسی به دانش‌آموزان از پایه اول: از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۷ دانش‌آموز گفته‌اند از همان پایه اول باید قواعد نگارشی به دانش‌آموزان آموزش داده شود. دانش‌آموز شماره ۱۰۲ در این زمینه نوشته بود: «من فکر می‌کنم از دلایل مهم انشاءنویسی بد دانش‌آموزان، آموزش‌ندادن این درس به آن‌هاست. معلمان به‌راحتی از روی تمرین‌های کتاب بنویسیم و در پایه ششم کارگاه نویسندگی کتاب مهارت‌های نوشتاری می‌گذرند؛ درحالی‌که بسیاری از دوستان من هنوز در جمله‌سازی نیز اشکال دارند».

۵- تدریس درس انشاء با معلم تخصصی این درس: از میان ۸۰ دانش‌آموز شرکت‌کننده در جواب به سؤال بازپاسخ پرسشنامه، ۶ دانش‌آموز معتقدند برای یادگیری بهتر هر درس به‌خصوص درس انشاء، معلم باتجربه و متخصص نیاز است. در این زمینه دانش‌آموز شماره ۱۵۴ نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: «کلاس درس انشاء باید به کلاسی تبدیل شود که ما در آن احساس آرامش کنیم و بتوانیم مشکلات خود را با معلم و دوستانمان در میان بگذاریم. معلم درس انشاء باید با انواع انشاء و با روحیات و نیازهای دانش‌آموزان آشنا باشد تا دانش‌آموزان نیز در این درس پیشرفت کنند».

۶- تقویت حواس دانش‌آموزان: از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۹ دانش‌آموز بر این باورند که تقویت حواس دانش‌آموزان به‌خصوص خوب دیدن و خوب شنیدن می‌تواند باعث افزایش آگاهی دانش‌آموزان از محیط اطراف شود و به انشانویسی آن‌ها کمک زیادی بکند.

دانش‌آموز شماره ۲۳۸ در این باره نوشته است: «برای انشانویسی باید درباره محیط اطرافمان اطلاعات زیادی داشته باشیم. یکی از چیزهایی که باعث زیاد شدن اطلاعات ما می‌شود، مشاهده دقیق طبیعت و خواندن کتاب است و دیگری اینترنت. اما اگر نتوانیم خوب مشاهده کنیم و خوب بشنویم نمی‌توانیم از این‌ها به‌خوبی استفاده کنیم. معلّم ما در کلاس همیشه به ما می‌گوید، با دقت ببینید و با دقت گوش کنید تا بهتر بیاموزید».

۷- جذّاب کردن کلاس درس انشاء: از میان ۸۰ دانش‌آموز شرکت‌کننده در پاسخ به سؤال بازپاسخ پرسشنامه، ۴ دانش‌آموز گفته‌اند کلاس درس انشاء باید بهترین کلاس مدرسه باشد؛ زیرا کلاس خشک و بی‌روح، باعث بی‌علاقگی آن‌ها به این درس می‌شود. در این باره، دانش‌آموز شماره ۲۱۳ گفته است: «یکی از علل ضعف در انشانویسی، کلاس خشک و بد انشاست. وقتی معلّم ما، در هر جلسه کلاس انشاء موضوعی به ما می‌دهد و سپس مشخص می‌کند یک صفحه کمتر نباشد و ... من دچار استرس می‌شوم؛ زیرا نمی‌دانم چه بنویسم. کاش معلّم، نظر ما را هم درباره بهتر شدن کلاس انشاء می‌پرسید».

۸- تألیف کتاب مستقل نگارش: دانش‌آموزان معتقدند برای یادگیری بهتر این درس مثل دیگر دروس باید کتابی مستقل برای آن تألیف شود. برخی از آنها گفته‌اند که: «شاید علت اهمیت‌ندادن به این درس، نبودن کتاب خاصی برای این درس است. اگر کتاب بود، معلّم هم از ابتدا پایه و اساس نوشتن را به ما می‌آموخت و می‌دانست چه کند تا انشای ما قوی شود».

جدول زیر خلاصه راهکارها و پیشنهادهای دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر درس انشاء را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵- راهکارهای حل چالش‌های درس انشاء

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
توجه بیشتر معلمان و دانش‌آموزان به درس انشاء	<ul style="list-style-type: none"> - آموزش بیشتر این درس به دانش‌آموزان - آگاهی معلمان و دانش‌آموزان از اهداف این درس شناخت اهداف درس
انتخاب موضوعات انشاء متناسب با علائق و تجربیات دانش‌آموزان	<ul style="list-style-type: none"> - انتخاب موضوعات متناسب با سطح توانایی و تجربیات دانش‌آموزان - انتخاب موضوعات متنوع

معرفی کتاب و مجلات مناسب به دانش‌آموزان و تشویق آنان برای مطالعه بیشتر	- معرفی کتاب‌ها و مجلات مناسب به دانش‌آموزان - تجهیز کتابخانه مدارس
آموزش قواعد انشانویسی به دانش‌آموزان از همان پایه اول	- سیر آموزش مرحله‌به‌مرحله از پایه اول تا پایه ششم
تدریس درس انشاء به‌وسیله معلم تخصصی این درس	- تدریس درس انشاء با معلم متخصص این درس
تقویت حواس دانش‌آموزان	- تقویت خوب دیدن و خوب شنیدن با روش‌ها و فنون جدید
جذاب کردن کلاس درس انشاء	- تجهیز و تزئین کلاس درس انشاء با وسایل مناسب - انتخاب روش‌های تدریس شاد و مناسب درس انشاء
تألیف کتاب خاص نگارش	- تألیف کتاب انشاء و نگارش و جداسازی این درس از کتاب مهارت‌های نوشتاری

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش پرسش‌های اول تا چهارم نشان داد که چالش‌های برنامه درسی انشاء به ترتیب اهمیت شامل مشکلات ساختاری، مشکلات تدریس و مشکلات اجرایی است. همچنین مهم‌ترین آسیب‌های انشاء در بعد ساختاری (نداشتن اطلاعات عمومی زیاد، مهارت‌نداشتن دانش‌آموزان در نوشتن جملات شروع انشاء و تقسیم انشاء به بخش‌های شروع، متن و نتیجه‌گیری)، در بعد تدریس (آزادنبودن موضوعات انشاء، معرفی نکردن کتاب و مجلات مناسب برای آگاهی‌دادن به دانش‌آموزان و ناآگاهی دانش‌آموزان از اهداف درس انشاء) و در بعد مشکلات اجرایی (نبود تمرکز در کلاس‌های درس انشاء، اهمیت‌نداشتن درس انشاء برای دانش‌آموزان و موضوعات کلیشه‌ای و یکنواخت) است.

هم‌چنین یافته پرسش پنجم نشان داد که شرکت‌کنندگان عمده مشکلات درس انشاء را در بی‌توجهی معلمان و دانش‌آموزان به درس انشاء، انتخاب نکردن موضوعات انشاء متناسب با علائق و تجربیات دانش‌آموزان، معرفی نکردن کتاب و مجلات مناسب به دانش‌آموزان در مدارس و تشویق آنان برای مطالعه بیشتر، آموزش نادرست قواعد انشانویسی به دانش‌آموزان از همان پایه اول، تدریس درس انشاء با معلم تخصصی این درس، تقویت‌نشدن حواس دانش‌آموزان، جذاب‌نبودن کلاس درس انشاء و نبود کتاب مستقل برای درس نگارش در دوره ابتدایی می‌دانند.

یافته‌های پژوهش حاضر از بعد مشکلات ساختاری، مشکلات اجرایی و مشکلات تدریس، با پژوهش‌های هیلند (۲۰۱۵)، آهن (۲۰۱۲)، اتینو آگانو (۲۰۱۲)، جردی و همکاران (۲۰۱۲)، پینتو و بیگوژی (۲۰۱۲)، علوم مقدم (۱۳۹۱)، ملک پایین (۱۳۹۳)، نعمت‌زاده (۱۳۹۲)، اولیایی و اولیایی (۱۳۹۳)، شهودی مزدهی و مفیدی (۱۳۹۲)، بیات و پویاکیان (۱۳۹۳) همسوست.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد علت اطلاعات ناکافی دانش‌آموزان می‌تواند توجه ناکافی به فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی، غفلت از تقویت مهارت‌های زبان‌آموزی، تقویت نکردن مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان باشد. در تبیین این عوامل باید گفت از جمله اثرات مطالعه، تقویت مهارت‌های کلامی است. مطالعه غیردرسی، دامنه یادگیری را گسترده‌تر و جولانگاه ذهن دانش‌آموزان را برای درک بهتر درس‌های نگارشی پویاتر و پرتحرک‌تر می‌سازد. بر این اساس باید توجه داشت دانش‌آموزان را تنها به مطالعه درسی و انجام دادن خودآزمایی آن درس مقید کردن مطلوب نیست؛ زیرا محتوای درس هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است که با آن دانش‌آموز می‌تواند دانش خود را گسترش دهد (صالحی، ۱۳۹۰).

درباره کتاب و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان عواملی مثل خانواده و مدرسه مؤثرند. اگر فرزندان با کتاب و کتاب‌خوانی بیگانه‌اند، علل آن را باید در رفتارها، عادات خانواده، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، اشتغال بیش‌ازحد، وجود انواع وسایل صوتی-تصویری و الکترونیکی، مشکلات اقتصادی والدین و خانواده‌ها، همچنین نظام مدرسه‌ای با پافشاری بیش‌ازحد بر یادگیری قالبی و مطالعه کتاب‌های درسی، نقش الگویی معلمان و عدم تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه جست‌وجو کرد (مجدفر، ۱۳۹۰).

از دیگر عوامل مؤثر در سطح اطلاعات دانش‌آموز همان‌طور که گفته شد، غفلت از تقویت مهارت‌های زبان‌آموزی به‌خصوص گوش‌دادن و سخن‌گفتن است. گوش‌دادن در مدرسه و در زندگی خارج از مدرسه از جمله راه‌های مؤثر در یادگیری است. زمانی که کودک وارد مدرسه می‌شود باید تجارب بسیاری در گوش دادن داشته باشد و اگر به این موضوع در محیط خانه توجه نشده باشد، در مدرسه باید به این مهم پرداخت و گوش‌دادن هدفمند، با دقت و مسئولانه را به دانش‌آموز آموخت. همچنین کاستی‌های زبان‌گفتاری، بخش وسیعی از مشکلات دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری است. با صحبت کردن و تعامل با اطرافیان دامنه لغات کودک گسترش می‌یابد و طبیعتاً در انشانویسی توانا‌تر خواهد

بود. عامل اثرگذار دیگر در سطح اطلاعات ضعیف دانش‌آموزان، پرورش ندادن مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان است. پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس می‌تواند به نگارش بهتر آن‌ها کمک کند؛ زیرا کسب مهارت‌های اجتماعی، ارتباط متقابل فرد را بهبود می‌بخشد، افکار او را منظم می‌کند، به تجربیات او می‌افزاید و در نتیجه آمادگی فرد را برای نوشتن افزایش می‌دهد (احمدی و امین مقدسی، ۱۳۸۰).

هم‌چنین با توجه به یافته‌های پژوهش، آشنا نبودن دانش‌آموزان با اهداف درس و اهمیت ندادن به این درس و کلاس ناآرام درس انشاء باعث مشکلات زیادی در دانش‌آموزان شده است. به نظر می‌رسد علت اصلی تمام این مشکلات آشنا نبودن معلم درس انشاء با اهداف، روش تدریس، ارزشیابی و به‌طور کلی عدم صلاحیت حرفه‌ای بعضی از معلمان این درس مهم است. وظیفه معلمان در فرایند آموزش تنها انتقال واقعیت‌های علمی نیست. معلمان باید موقعیت مطلوب یادگیری را فراهم کنند و چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگرد بیاموزند و با سازماندهی درست محیط آموزشی و تعیین روش و هدف‌های آموزشی و آگاه کردن دانش‌آموزان از اهداف درس زمینه مناسب تجارب و فعالیت‌های آموزشی را فراهم کنند. اگر معلم با اصول و مبانی و هدف‌های آموزشی درس آشنایی نداشته باشد، اثرات آن کلاسی شلوغ و آشفته، با دانش‌آموزان بی‌انگیزه و بی‌علاقه است (فرشیدنیک، ۱۳۸۷). از همه مهم‌تر معلم باید در شروع تدریس، برنامه‌ای از پیش تعیین شده داشته باشد؛ این مورد در درس انشاء باعث می‌شود معلم بدون فکر و عجلانه موضوعی را برای نوشتن انتخاب کند که شاید با سطح فکر دانش‌آموز مطابقت نداشته باشد؛ در نتیجه دانش‌آموزان نمی‌دانند چگونه انشاء بنویسند و از کجا شروع کنند و در کجا انشاء را تمام کنند (غریب‌زاده، ۱۳۹۳). از طرف دیگر معلم باید محیطی جذاب برای یادگیری دانش‌آموز فراهم کند. محیط کلاس فضا یا موقعیتی است که فراگیران و معلمان در آن با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و از ابزارها و منابع اطلاعاتی برای دنبال کردن فعالیت‌های یادگیری بهره‌مند می‌شوند. چنتری گابل و ریزا در این مورد عقیده دارد، ادراک از کلاس و فعالیت‌های یادگیری کلاس را می‌توان در مؤلفه‌هایی چون علاقه و انتخاب جست‌وجو کرد (به نقل از رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴).

در مجموع به نظر می‌رسد علت جذاب نبودن کلاس انشاء برای دانش‌آموزان را می‌توان در ضعف آموزش مهارت‌های انشانویسی از سوی معلمان و ضعف علاقه و انگیزه دانش‌آموزان به این درس جست‌وجو کرد. با توجه به نتایج این پژوهش، به منظور بهبود اثربخشی برنامه درسی انشاء در دوره تحصیلی ابتدایی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- برای درس انشاءنویسی، یک برنامه درسی مستقل و طراحی آموزشی مناسب از سوی متخصصان تدوین شود. همچنین کتاب مستقل و ویژه مهارت انشاءنویسی مختص دوره تحصیلی ابتدایی، در هر دو قالب راهنمای معلم و دانش‌آموز تدوین شود.
- شیوه‌های استاندارد نگارش و انشاءنویسی در فرایند تدریس درس انشا به دانش‌آموزان آموزش داده شود. در این زمینه، نیاز است معلمان مهارت‌های لازم را در دوره‌های پیش از خدمت یا ضمن خدمت کسب کنند.
- در راستای گسترش فرهنگ مطالعه، در ساعات انشاء از مطالعه و کتاب‌خوانی در راستای تخیل و تفکر انتقادی دانش‌آموزان استفاده شود.
- انتخاب موضوعات انشاء متناسب با علائق و تجربیات دانش‌آموزان انجام شود.

منابع

- احمدی، سید احمد و امین مقدسی، شیرین. (۱۳۸۰). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر انشانویسی در دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۶، ۱۰۰-۹۷.
- الهام‌پور، حسین. (۱۳۸۴). بررسی مشکلات درس انشای فارسی، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۲، ۱۳۴-۱۱۳.
- اولیایی، زهره و اولیایی، فرنوش السادات. (۱۳۹۳). بررسی پیش‌نیازهای آموزش انشاء و راه‌های بهبود انشاء در بین دانش‌آموزان، اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بابلی بهمنی، عزیز اله. (۱۳۸۳). روش‌ها و فنون تدریس، تهران: نشر یسپرون.
- بازرگان، سیمین. (۱۳۹۳). اندیشه و انشاء، اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیات، یحیی و پویاکیان، معصومه. (۱۳۹۳). روش‌های فعال انشاء در مناطق دوزبانه، مقالات اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۳). اهمیت درس انشاء، اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رشیدی، علی؛ امیری، محمد؛ مهرآور، شهرام و گیلکو حسن نودهی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ادراک از محیط یادگیری کلاس با تاب‌آوری تحصیلی، پژوهش‌های آموزش و یادگیری دانشگاه شاهد، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۷، ۱۹۸-۱۸۹.
- رثوف، علی. (۱۳۸۳). سهم معلم، شیوه معلم، نگاهی به حرفه‌مندی معلم، تهران: انتشارات شابک.
- زند، بهمن. (۱۳۸۵). روش تدریس فارسی، جلد ۱۰، تهران: انتشارات سمت.
- سنجری، هادی. (۱۳۹۳). معلمان دیروز اندیش، برنامه‌های امروزی دیروز بنیان، اهداف فردا نگر، اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شهودی مزددهی، عطیه؛ مفیدی، فرخنده؛ علیزاده، حمید. (۱۳۹۲). مقایسه مهارت‌های نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش‌دبستانی در پایه اول دبستان و ارائه راهکارهای مناسب، نشریه روانشناسی تربیتی، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۲۸، ۱۴-۲.
- صالحی، مهدی. (۱۳۹۰). راهکارهای عملی برای درس انشاء، نشریه رشد و زبان و ادب فارسی، شماره ۹۸، ۷۰-۴۰.

علوی مقدم، سید بهنام و خیرآبادی، معصومه. (۱۳۹۱). تحلیل خطاهای نوشتاری دانش آموزان فارسی‌زبان و دوزبانه دوره ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، ۴۳-۵۹.

علی پاشازاده، افسانه. (۱۳۸۵). نوشتن انشاهای خلاق، قابل دسترس در: www.ensha.ir. عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عمید، انتشارات فرهنگ نما، جلد ۱، ص ۴۴. غریب‌زاده، نینا. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اشنانویسی در کلاس چهارم ابتدایی، اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی. فرشیدنیک، مینا. (۱۳۸۷). اهداف و استانداردهای آموزشی (کلاس انشای مؤثر). جلد اول، تهران: انتشارات منظومه خرد.

مجدفر، مرتضی. (۱۳۹۰). چند نکته مهم درباره کتاب و کتاب‌خوانی، نشریه رشد آموزش ابتدایی، شماره ۲، ۴-۲.

مستعلی پارسا، غلامرضا. (۱۳۹۳). سیر تحول زبان فارسی از آغاز تا کنون، مجموعه مقالات اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.

ملک پایین، مصطفی. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی انشاء و لزوم تحول از گفتمان تقلیدی به گفتمان خلاقانه، تهران: اولین همایش ملی انشاء و نویسندگی، تهران: پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبایی.

نعمت زاده، شهین. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی آموزش نوشتن در دوره ابتدایی و آموزش انشاء، خبرنامه گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره ۱۵.

Ahn, H. (2012). Teaching Writing Skills based on Genre Approach to Primary School: *Action Research English Language Teaching*, 5 (2), pp: 2-16 .

Akinwamide, & Kolade. (2012). The Influence of Process on English as second Language Students Performance in Essay Writing. *English Language Teaching*, Vol. 5, No. 3, pp: 16-29.

Hier, Bridget O. & Eckert, Tanya L. (2016). Programming generality into a performance feedback writing intervention: A randomized controlled trial. *Journal of School Psychology*, Volume 56, pp: 111-131.

Daruse, Saadiyah, & Subramaniam, Kaladevi. (2009). Error Analysis of the Written English Essays of Secondary School Students in Malaysia: a case study. University Kebangsaan Malaysia. Available at: http://www.academia.edu/244617/Error_analysis_of_the_written_English_essays_of_secondary_school_students_in_Malaysia_A_case_study.

Durukan, Erhan. (2011). Effects of Cooperative integrated reading and com-

- position (CIRC) technique on reading-writing skills. *Educational Research and Reviews*, 6 (1), pp: 102-109.
- Gerde, H.K, Bingham, G.E. & Wasik, B.A. (2014). Writing in Early Childhood Classrooms: *Guidance for Best Practices, Early Childhood, Education Journal*,40(6), pp: 351-359.
- Howard, Moor Rebeca. (2010). Writing from Sources, Writing & Pedagogy, VOL 2, NO. Available at:http://www.academia.edu/244617/Error_analysis_of_the_written_English_essays_of_secondary_school_students_in_Malaysia_A_case_study
- Hyland, K. (2015). A Genre Description of the Argumentative Essay, *Journal of Language Teaching*, 533, pp:105-125.
- Jacobson, Thompson Laura., & Reid, Robert. (2010). Improving the Persuasive Essay Writing of High School Student Whit ADHD. *University of Nebraska, Lincoln. Exceptional Children*, V76, N2, pp: 157-174.
- Pinto, G. & Bigozzi, L. (2012). Emergent Literacy and Early Writing Skill. *Journal of Genetic Psychology*, 173(3),pp: 303- 354.
- Ritchey, K D & Coker, D L. (2014). Identifying Writing Difficulties in First Grade: *An Investigation of Writing and Reading Measures Learning Disabilities Research & Practice*, 29 (2), pp: 54-60.